



فلسفه تعلیم و تربیت حلقه اتصال علوم انسانی

اکرم ارجمندی

چکیده

فلسفه تعلیم و تربیت به عنوان چهار چوبی نظری نقش کلیدی در حوزه عملی تعلیم و تربیت بر عهده دارد و همچون سنگ ترازویی است که وزن فعالیت های علمی را از بُعد تعلیم و تربیت جامعه نشان می دهد. (بافری، خسرو، ۱۳۹۰، ص ۱) محور اساسی علوم انسانی دانشی اساسی در خصوص انسان با همه ابعاد زندگی اوست و از اهداف غایی فلسفه تعلیم و تربیت انسان شناسی است که این نقطه مشترک و اساسی حلقه اتصال فلسفه تعلیم و تربیت با علوم انسانی است.

اهداف این مقاله: بیان هم جهت بودن اهداف علوم انسانی جامعه با اهداف غایی فلسفه تعلیم و تربیت برای داشتن علوم انسانی کاربردی در جهت تامین نیازهای فردی و اجتماعی و منسجم ساختن رشته های مختلف علوم انسانی بر اساس اهداف فلسفه تعلیم و تربیت جامعه .

عملکرد فلسفه تعلیم و تربیت می تواند همانند پزشکی باشد که مهمترین وظیفه وی: ۱- تشخیص بیماری ۲- ارائه راه حل درمان بیماری است. بر پایه مبانی نظری: روشن شدن سه مساله عمده در فلسفه تعلیم و تربیت: ۱- اهداف و مبانی ۲- اصول و فعالیت های تعلیم و تربیت ۳- روش های رسیدن به اهداف (بافری، خسرو، ۱۳۹۰ ص ۶) نقش فلسفه تعلیم و تربیت نقشی است محسوس و زنده زیرا به شکلی فعال و پویا در باورها، علائق و عواطف افراد مختلف خود را نشان می دهد. مبانی فلسفه تعلیم و تربیت شکل گرفته از ۱- فرهنگ و اندیشه اسلامی ۲- ویژگی های فرهنگی و ملی ۳- مواجهه فرهنگی با دنیای غرب (بافری، خسرو، ۱۳۹۰ ص ۱۱) و مبانی علوم انسانی نیز بر اساس مبانی فلسفی و اعتقادی و فرهنگی آن جامعه شکل می گیرد. (مصباح یزدی، محمد تقی، ۱۳۹۱، ص ۳) حضور پر رنگ و پرنفوذ فلسفه تعلیم و تربیت را می توان در علوم انسانی یافت. فلسفه تعلیم و تربیت زیر ساخت علوم انسانی است و مسامحه و کوتاهی در تحقق بخشیدن این امر ضروری است نسبت به علوم انسانی که بستر ساز تعالی و رشد انسانی، اجتماعی، فرهنگی، سیاسی، اقتصادی، یک جامعه در سایه اهمیت دادن به فلسفه تعلیم و تربیت آن جامعه است. روش تحقیق این مقاله به شیوه توصیفی- تحلیلی از نوع تحقیق کیفی به روش کتابخانه ای است و نتایج کاربردی.

کلمات کلیدی: فلسفه، تعلیم و تربیت، علوم انسانی، حلقه اتصال^۱



مقدمه

لازم و ضروری است که مبانی علوم انسانی هر جامعه بر اساس مبانی فلسفی همان جامعه خصوصاً ابعاد تربیتی آن شکل گیرد.

توجه به فلسفه تعلیم و تربیت و توجه به فلسفه علوم مختلف از لازم ترین و مهم ترین مسائل فرهنگی هر جامعه ای است. تدوین و تنظیم فلسفه تعلیم و تربیت در پاسخ به این سوال که تعلیم و تربیت جامعه به دنبال چیست و به کجا باید برسد و شکل می گیرد، وجه اشتراک مبانی علوم انسانی و فلسفه تعلیم و تربیت در ابعاد ۱-انسان شناسی ۲-معرفت شناسی ۳-ارزش شناسی خود حلقه اتصال میان این دو است. فلسفه تعلیم و تربیت حضوری پررنگ و پرنفوذ در همه علوم بویژه علوم انسانی دارد. و تاثیر آن بطور محسوس در رفتار و عواطف و علائق افراد به خوبی آشکار است. به خوبی از معنای لغوی علوم انسانی می توان دریافت موضوع اصلی آن انسان است. مفهوم انسانی تعلیم و تربیت با توجه به هدف غایی داشتن حیات پاک و زنده در جریان تعلیم و تربیت به سوی ربوبی شدن انسان است (باقری، خسرو، ۱۳۸۷، ص ۶۵)

انسان بر مبنای یک جهان بینی و ایدئولوژی معین حقیقت وجود و هدف زندگی مشخص می گردد و بعد از آن به نظریه پردازی و بیان تئوری ههای لازم در زمینه های مختلف علوم انسانی اعم از اقتصاد، جامعه شناسی، روانشناسی، مدیریت و پرداخته شود. و به دلیل تفاوت مبانی اعتقادی تربیت انسان در هر جامعه ای با جامعه ای دیگر، اهداف علوم انسانی هر جامعه ای خاص همان جامعه باید باشد. مبانی فلسفه تعلیم و تربیت شکل گرفته از ۱-فرهنگ و اندیشه اسلامی ۲-ویژگی های فرهنگی و ملی ۳-مواجهه فرهنگی با دنیای غرب است. (باقری، خسرو، ۱۳۸۷، ص ۶۰)

تعاریف

هرگاه در تعلیم و تربیت تاملی فلسفی داشته باشیم، نتیجه آن فلسفه تعلیم و تربیت خواهد بود. تعلیم و تربیت گاه حاکی از فعالیت‌هایی است در محیط خانوادگی یا آموزشی و تاملی فلسفی در این زمینه نوعی از فلسفه تعلیم و تربیت خواهد بود. فلسفه را نمی توان تنها محدود به فرهیختگان جامعه دانست اما فلسفه تعلیم و تربیت نیازمند تدوین بر اساس اصول و مبانی است یعنی مبانی: انسان شناسانه، معرفت شناسانه، و ارزش شناسانه این مبانی برای هدایت فعالیت های برنامه ریزان و دست اندکاران تعلیم و تربیت نقش ایفا می کند و زمینه ساز روشهای تعلیم و تربیت خواهد شد. (باقری، خسرو، ۱۳۹۰، ص ۱) ماهیت رشته فلسفه تعلیم و تربیت از نظر فلاسفه بزرگ این رشته وظایفی است که از جمله (بک - Bak - باقری، عطاران ۱۳۷۶) وظایفی ده گانه برای آن مطرح می سازند. مهمترین این وظایف عبارتند از: (سجایه، نرگس، ۱۳۹۴، ص ۷۳) ۱-تحلیل موضوعات تربیتی



(یادگیری، تدریس، روشهای تدریس و). ۲- بررسی پرسشهای انتزاعی (آیا تربیت یک حق است یا یک وظیفه و ... آیا یادگیری منتقل می شود یا دانش آموزان خود آن را در ذهن می سازند و). ۳- جستجوی دیدگاههای کلی در باب تعلیم و تربیت: تلاش فیلسوف تربیت، معطوف به یافتن نظام کلی جریان تربیت به صورت منسجم. ۴- بسط و بکارگیری راهبردهای مناسب فلسفه در پژوهشهای تربیتی در مورد مسائل تربیتی با روشهای فلسفی مورد ارزیابی قرار خواهد گرفت. ۵- تحلیل و نقدی آن چه در سایر رشته های زیر مجموعه تعلیم و تربیت در جریان است.

رشته هایی چون مدیریت آموزشی، برنامه ریزی درسی، برنامه ریزی آموزشی رشته هایی مانند روانشناسی، جامعه شناسی.

ویلیام فرانکنا: فلسفه تعلیم و تربیت دارای سه کارکرد: ۱- نظری ۲- هنجاری ۳- تحلیلی، نقادی است رشد و بالندگی جامعه انسانی چه به لحاظ ساختار اجتماعی چه فردی به رشد و بالندگی اعضای آن جامعه وابسته است. ساختار یک جامعه همان نهادها و نظامهایی هستند که توسط انسان مدیریت و برنامه ریزی می شود. بر این اساس جامعه انسانی بیش از ارتقاء سطح اقتصادی و صنعتی خود نیازمند پرورش انسانهایی است که بتوانند با اندیشه های عمیق و روابط اجتماعی و عملکردهای شایسته در خدمت آرمانهای فرهنگ جامعه خود باشند. فلسفه تعلیم و تربیت و آموزش و پرورش زیر مجموعه قلمرو فلسفه های نظام دار کلاسیک جوامع است (کاردان، علی محمد، ۱۳۸۰) در همه پیش فرضهای رشته فلسفه تعلیم و تربیت محور اساسی انسان است از بُعد تربیت فلسفه تعلیم و تربیت دامنه وسیعی را به خود اختصاص می دهد و محدودیت خاصی ندارد. اصلاح و تغییر تعلیم و تربیت امروز ایران بی شک از مسیر دانش فلسفه تعلیم و تربیت می گذرد. تاثیر فلسفه تعلیم و تربیت بر عمل تربیتی مستقیم نیست بلکه غیر مستقیم از طریق نقد و بررسی گفتمان تربیتی است. (هرست - Hirst - باقری، خسرو، ۱۳۸۶، ص ۱۰) فلسفه تعلیم و تربیت با قرار داشتن در موقعیتی عملی خود گونه ای از فعالیت عملی است (کار، Carr - باقری، خسرو، ۱۳۸۶، ص ۵) فلسفه تعلیم و تربیت فعالیتی عملی است و بر پیش فرضهایی معین استوار است و بر اساس پیش فرضها قابلیت تحقق دارد. (کار، Carr، باقری، خسرو، ۱۳۸۶، ص: ۴) فلسفه در معنای فلسفه ورزی همان کاری را انجام می دهد که تربیت در پی آن است. (فائدی، یحیی، ۱۳۹۴، ص) فلسفه تعلیم و تربیت همچون پایه های ساختمان است گر چه در نمای ظاهری نمود ندارد، سستی پایه های ساختمان منجر به سقوط آن خواهد گشت فلسفه تعلیم و تربیت به دلیل نقش بنیادین خود کمتر صورت آشکار به خود می گیرد. (خلیلی، سمانه، ۱۳۹۴، ص)



جایگاه فلسفه تعلیم و تربیت در علوم انسانی

علوم انسانی بستر ساز تعالی و رشد و پیشرفت یک جامعه و مبنای توسعه سایر علوم است و فلسفه تعلیم و تربیت می تواند مبنای تمام علوم به ویژه علوم انسانی باشد. از این جهت نیاز به مهندسی صحیح و بازسازی و برنامه ریزی و احیاء مجدد علوم انسانی است. به خوبی از معنای علوم انسانی می توان دریافت موضوع اصلی آن انسان است. ساختن انسان بر اساس مبانی انسان شناسی-معرفت شناسی و ارزش شناسی یک جهان بینی و ایدئولوژی مشخص. انسانی که حقیقتش، و هدف زندگی در یک نظام فکری مشخص به خوبی بیان گردد و بر آن اساس غایت انسان شناسی بر یک پایه فکری همانند اسلام در جامعه اسلامی تعریف گردد. محور اصلی و اساسی همه شاخه های علوم انسانی انسان است که از اهداف غایی فلسفه تعلیم و تربیت است و بحث از این محور مشترک و اساسی باید به صورت یک ضرورت مورد توجه قرار گیرد. زمانی علوم انسانی می تواند جای خود را پیدا کند که بر اندیشه و افکار و عملکرد فرد و جامعه تاثیر گذار باشد یا به عبارتی علوم انسانی کاربردی شود. اما تا ندانیم انسان چیست و کیست و هدف از زندگی او چیست نمی توانیم اهداف هر یک از رشته ها و شاخه های علوم انسانی را مشخص نمائیم. بطور مثال مکاتبی که معتقدند اقتصاد زیر بنا است اما تا زمانی که روشن نشود این انسانی که آنان اقتصاد را زیر بنای زندگی می دانند ماهیت خود و زندگی چیست چگونه بحث از اقتصاد و آن هم زیر بنای زندگی او را به میان می آورند. و تا زمانی که به مسائل و سوالات اساسی مبانی فکری پاسخ داده نشود با گذشت زمان با مشکلاتی روبرو خواهند بود. تعریف انسان در هر جامعه ای باید مشخص باشد. انسان در جامعه بی دین ولایتی تعریفی دارد و در جامعه مسلمان تعریفی دیگر. مبانی علوم انسانی هر جامعه بر اساس مبانی فلسفی همان جامعه خصوصاً ابعاد تربیتی آن باید شکل گیرد. تدوین و تنظیم فلسفه تعلیم و تربیت در پاسخ به این سوال که تعلیم و تربیت جامعه به دنبال چیست، چه می خواهد، و به کجا باید برسد. تاملی فلسفی در علوم مختلف بویژه علوم انسانی و جهت دادن به آن با کمک از فلسفه تعلیم و تربیتی که خود در مبانی و اهداف انسان شناسی و معرفت شناسی و ارزش شناسی به تعاریف و حقایقی روشن رسیده است. از این رو فلسفه تعلیم و تربیت می تواند حضوری پر رنگ و پر نفوذ در همه علوم بویژه علوم انسانی داشته باشد. مسامحه و کوتاهی در توجه به نقش علوم انسانی در جامعه و منسجم و هدفمند و جهت دار ساختن آن توسط فلسفه تعلیم و تربیت آسیب و ضرر بزرگی را برای جامعه به دنبال خواهد داشت.

جنبه عملی فلسفه تعلیم و تربیت بر علوم انسانی

فلسفه تعلیم و تربیت دارای جنبه نظری و عملی است نه صرفاً نظری. هر نظام تربیتی مستقیم یا غیر مستقیم مبتنی بر یک فلسفه و جهان بینی و معرفت شناسی خاصی است. تدوین الگوی نظری با شرایط متناسب



راهکاری برای ایجاد رابطه نظر و عمل است. تاثیری نامحسوس بر کل مسائل تربیتی خواهد داشت که از طریق مباحث فلسفی قابل طرح و بررسی است. (ابراهیم زاده، عیسی، ۱۳۸۴) کانت با طرح پرسشهای بسیاری اظهار می دارد که پاسخ به این پرسشها تعیین کننده قلمرو فلسفه است. ۱- چه می توانیم بشناسیم ۲- چه باید بکنیم ۳- چه می توانیم آرزو کنیم ۴- انسان چیست. ماهیت این سوالات نشان می دهد هر پاسخ معقول و منطقی که به آنها داده شود با تعلیم و تربیت مرتبت است. سوال اول کانت نقش شناختی فلسفه در علوم تربیتی را روشن می سازد. سوال دوم نقش عمده فلسفه تربیت که در تایید محققان تعلیم و تربیت و سیاست گذاران و برنامه ریزان آموزشی است. تاثیر فلسفه بر نظام تعلیم و تربیت کشور است. این نقش از آن جهت حائز اهمیت است که گفته می شود هیچ نظام تربیتی نمی تواند بدون فلسفه شکل گیرد.

مسائلی که منجر به جلوگیری از پیشرفت علوم انسانی و غیر کاربردی بودن آن می گردد

۱- محوریت نداشتن علوم انسانی و انتزاعی قرار گرفتن آن. ۲- تاثیر پذیری علوم انسانی از علوم بیگانه. ۳- عدم ارتقاء علوم انسانی، با اهداف و مبانی واحد ۴- عدم توجه به تحول علوم انسانی بر مبنای چهار ویژگی روزآمدی، غنی سازی، بومی سازی، و ارزش مداری ۵- ارتباط کم و هماهنگ نبودن میان صاحب نظران گرایشهای علوم انسانی و تحقیقهای دینی، علمی. ۶- لازمه نگرش تغییر در علوم انسانی بر مبنای معارف اسلامی و تبادل اندیشه ها.

از چالش های مهم حوزه علوم انسانی نگاه های انتزاعی غیر کاربردی این عرصه است و بیشتر پژوهش های مختلف جنبه عملیاتی نداشته باشند و جایی بهتر از قفسه های کتابخانه ها پیدا نکنند. همکاری میان رشته های مختلف سبب رفع مشکلات و نیازهای جامعه با پژوهشهای کاربردی پاسخی داده می شود نقش علوم انسانی در خصوص طرح سوالات اساسی در فلسفه و مبانی علمی ابزاری است برای دستیابی به تفکر خلاق و کارآفرین در زیر ساخت سایر علوم و دستاوردهای آن نیز از اهمیت بسیاری در فرآیند توسعه برخوردار است. با توجه به تلاش کشورها در تولید علوم متناسب با شرایط سیاسی، اقتصادی، اجتماعی فرهنگی کشورشان نقش علوم انسانی به عنوان زیر ساخت و بستر توسعه سایر علوم مورد تاکید قرار می گیرد. سایر علوم به دلیل ماهیت ابزاری خود تنها در چهار چوب علوم انسانی جهت دارو معنی دار می توانند کارکرد خود را داشته باشند و بر این اساس تلاش برای توسعه کیفی و ارتقاء سطح علوم انسانی برای توسعه متوازن بومی و هماهنگ ضرورتی انکار ناپذیر است. زندگی انسان بدون فرهنگ متوقف است. و حیات و بقای همه علوم و فنون به فرهنگ جامعه و نوع آن بستگی دارد بنابراین علوم انسانی پایه تحول زندگی فردی و اجتماعی انسان دارد. اگر علوم انسانی جایگاه حقیقی خود را در جامعه پیدا کند آن وقت می توان انتظار داشت که در سطح کاربردی به نتیجه برسد.



سطوح علوم نسبت به یکدیگر

۱- علوم مربوط به امور دنیای انسانها بر اساس نیازها آنچه هست (اعم از علوم تجربی، انسانی، فنی، پزشکی) ۲- جنبه کاربردی علوم، آنچه می توانیم انجام دهیم ۳- سطح هنجاری معیاری چه می خواهیم انجام دهیم ۴- ارزش و اخلاق چه باید بکنیم چگونه انجام دهیم. متأسفانه افراد بسیاری رشته های سطح اول را آزاد از ارزش اضافی تلقی می کنند و نظام آموزشی تا سطح سوم بیشتر مورد توجه قرار نمی گیرد به طور مثال طرفداران علم اقتصاد این دانش را به مثابه علم آزاد از ارزش اخلاقی تلقی می کنند زیرا ورود به حیطه ارزشها و نظام آموزشی در فرآیند توسعه اقتصادی و تولید اختلال ایجاد می کند. (عیسی، ابراهیم زاده، ۱۳۸۶، ص: ۴۶) بنابراین جای تعجب نیست که با تولید و کشاورزی، هنوز فقر و گرسنگی در جهان بیداد می کند تلاش برای شناخت پدیده های مورد مطالعه در علوم انسانی به طریق اولی باید همراه فلسفه ورزیدن باشد تا به نتایج پرباری برسد. و در جریان این نوع تبیین است که به کار آمدی یا ناکارآمدی علوم انسانی پی می بریم. میزان عملی بودن فلسفه منوط به میزان دخالتش در کارها عملی و موقعیتهای تربیتی است (آرنولد گریز، ۱۳۸۳ ص ۱۷-۱۵، عیسی، ابراهیم زاده، ۱۳۸۶، ص: ۳۵) نظام آموزش و پرورش یک کشور از حیث در هم تنیدگی فرهنگ ملی و فرهنگ اندیشه یک پیکره واحد را تشکیل می دهد. و نباید کسیختگی یا اختلال در آن ایجاد کرد. حتی در اهداف کوتاه مدت و میان مدت و بلند مدت آموزش و پرورش کشور. رابطه علوم نسبت به یکدیگر از یک نظر رابطه طولی و از بعد دیگر رابطه عرضی است. ماهیت علوم انسانی بر حسب موضع فلسفی یک نوع رابطه طولی با سایر علوم و نوعی رابطه ای عرضی با رشته های علوم انسانی است. بطور مثال علوم انسانی با علوم تجربی یک رابطه ای طولی و با شاخه های علوم انسانی رابطه عرضی دارند. یعنی رابطه تفسیری- ارزشی و یا فلسفه تعلیم و تربیت یکنوع رابطه طولی با سایر علوم بویژه علوم انسانی برقرار می کند یا رابطه ی تفسیری- ارزشی.

به طور مثال: بی اطلاعی یک دانشجوی فیزیک از فلسفه فیزیک موجب خواهد شد که نگرشی سطحی در مورد علم فیزیک داشته باشد برای دانشجوی فیزیک همتی دو جانبه لازم است تا با دانش و فلسفه آن آشنا شود.

(باقری، خسرو، ۱۳۸۶، ص: ۸)

نتیجه گیری :

نقش فلسفه تعلیم و تربیت نقشی است محسوس و زنده زیرا به شکلی فعال و پویا در باورها و علائق و عاطفه افراد مختلف خود را نشان می دهد .

به خوبی از مبانی فلسفه تعلیم و تربیت علوم انسانی می توان دریافت که تلاش برای داشتن یک زندگی فردی و اجتماعی سالم و انسانی از اهداف مشترک در همه زمینه های علوم انسانی و فلسفه تعلیم و تربیت است .



اهمیت فلسفه تعلیم و تربیت زمانی آشکار خواهد شد که این نکته را به خوبی درک نمائیم که علوم انسانی و سایر علوم بدون فلسفه تعلیم و تربیت و شناخت و عمل به آن هیچ کسری از ارزش را نخواهند یافت. اگرچه فلسفه تعلیم و تربیت حضوری پر رنگ و پرنفوذ در علوم انسانی دارد اما توجه فراوان به علومی همچون علوم ریاضی فیزیک و رشته های فنی و پزشکی بدون توجه به مبانی و اصول موجود در علوم انسانی بر پایه فلسفه تعلیم و تربیت به ابزاری خطرناک تبدیل خواهد شد که از آن به عنوان علمی بدون تزکیه که می تواند همچون « تیغی در دستان زنگی مست » خطر ساز باشد تعبیر نمود.

نتیجه و پیشنهاد

- نیاز هماهنگی فلسفه تعلیم و تربیت هر جامعه ای با اصول فکری و مبانی معرفتی آن جامعه.
- نیاز به تدوین و تنظیم اصول فلسفه تعلیم و تربیتی روشن و کاربردی منطبق با ارزشهای متعالی اسلام در جهت رفع نیازهای فردی و جمعی.
- مشخص نمودن مبانی اهداف غایی تعلیم و تربیت در حوزه:
 - ۱- انسان شناسی، ۲- معرفت شناسی، ۳- ارزش شناسی.
- از آنجا که علوم انسانی در رشته های مختلف به صورتی وارداتی مورد تحصیل و تدریس است به این دلیل در جهت رفع نیاز جامعه کنونی کاربردی نیست.
- نیاز اساسی به نقد و بررسی مبانی این علوم و تطبیق آن با نیازهای جامعه بر اساس اهداف و ارزشهای جامعه اسلامی است.
- همسو و هم جهت ساختن علوم انسانی در همه رشته ها با اهداف فلسفه تعلیم و تربیت.
- توجه به تحول علوم انسانی بر مبنای چهار ویژگی: روزآمدی، غنی سازی، بومی سازی و ارزش مداری.
- فعالیت موثر از طریق مراکز علمی، پژوهشی چه حوزه و چه دانشگاه.
- ارتباط و هماهنگی صاحب نظران علوم انسانی و شخصیت های دینی، علمی و تقویت ارتباط مراکز حوزه و دانشگاه در زمینه ارتباط فلسفه تعلیم و تربیت با سایر علوم.
- توجه ضروری و لازم به تولید علم در زمینه فلسفه تعلیم و تربیت و علوم انسانی با نگاه اسلامی.
- تقویت مراکز آموزشی و پژوهشی در خصوص مباحث میان رشته ای و نقش فلسفه تعلیم و تربیت.
- ایجاد رشته های جدید در حوزه علمیه در زمینه مباحث فلسفه تعلیم و تربیت و مباحث میان رشته ای.
- همسو شدن قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران با فلسفه تعلیم و تربیت
- تحلیل انقادی در آموزش و پرورش کشور بر اساس فلسفه تعلیم و تربیت



- نگاهی به روش شناسی بویژه در آموزش و پرورش در رشته های مختلف
- تدوین نظام جدید آموزشی بر اساس مهارگرایی یا فن آوری اطلاعات بر حسب نیاز جامعه
- اهمیت به فلسفه برنامه درسی که شاخه از فلسفه تعلیم و تربیت است.

Philosophy of Education the Connecting Loop in Humanities

Akram Arjmandi

Abstract

Philosophy of Education as a conceptual framework plays a key role in practical field of education. It is also a balance stone which shows the value of scientific activities from the society education dimension. (Pagheri ,Khosro ,1390, p.1)

The main axis of humanities is possessing a basic knowledge of the humans along with all aspects of their lives and anthropology is one of ultimate purposes of philosophy of education which is a common and fundamental part of philosophy in the connecting loop of education philosophy and human sciences.

Purposes of the article: convergence of society humanities purposes with the ultimate purposes of philosophy of education in order to have practical humanities to meet the personal and social needs of society will also have effective and constructive role.

Performance of education philosophy can be like a physician whose most important duty is:

1. Diagnosing Disease
2. Providing a way to cure the disease

Base on the theoretical basis: clarity of the three major issues in education philosophy 1- purposes and basics 2- Principles and activities of education 3- Methods of achieving the goals

The role of education philosophy is a tangible and alive role since it represents itself in a dynamic form of beliefs, interests and affection of different people.

Foundations of education philosophy are derived from 1. Islamic thoughts and culture 2. National and cultural features 3. Cultural confrontation with the West (Pagheri ,Khosro ,1390, p.6)

And foundations of humanities are also formed based on philosophical, religious and cultural foundations of the society. (Mesbah Yazdi, Mohammadtaghi, 1391, p.3)

Strong and influential presence of education philosophy can be seen in humanities.

Education philosophy is the infrastructure of humanities and negligence and failure to realize this is extortion to humanities which pave the way to the growth and excellence of human-socio-cultural-political-economy of society under importance of the philosophy of education in it.

Research method of the article is descriptive-analytic and the type is qualitative using research library method and results are to some extent practical.

Keywords: Philosophy, education- humanities- connecting loop

Student of Philosophy of education – 09122075595-sair42a@yahoo.com



منابع

باقری، خسرو، ۱۳۸۷، درآمدی بر فلسفه تعلیم و تربیت جمهوری اسلامی ایران جلد (۱)، تهران: شرکت انتشارات علمی و فرهنگی

باقری، خسرو، ۱۳۷۵، دیدگاه های جدید رد فلسفه تعلیم و تربیت، تهران: نقش هستی

باقری، خسرو، ۱۳۷۶، فلسفه تعلیم و تربیت معاصر (محمد عطاران، مترجم) تهران: نشر محراب

باقری، خسرو، ۱۳۹۰، فعالیت های علمی در ترازوی فلسفه تعلیم و تربیت، مجله اطلاعات، حکمت و معرفت، شماره ۶۸ ص ۵-

باقری، خسرو، ۱۳۸۶، جایگاه؟؟ تعلیم و تربیت در؟؟ نظر و عمل، فصلنامه فن آوریهای آموزشی شماره ۲۰ سال ۶.

شاخه دانشجویی انجمن فلسفه تعلیم و تربیت ایران (۱۳۹۴) روایت هایی از فلسفه تعلیم و تربیت، قم، همایش کتاب حوزه، کتاب فردا.

مصباح یزدی، محمد تقی سال ۱۳۸۷: علم دینی و اسلامی سازی علوم انسانی، مجموعه مقالات وحدت حوزه و دانشگاه ۲۷ آذر، ص: ۸۷ سایت اطلاع رسانی آیت ا... مصباح

مصباح یزدی، محمد تقی سال ۱۳۹۱: جستارهایی در زمینه علوم انسانی، سایت اطلاع رسانی آیت ا... مصباح

آبادی خواه، لطفی، آبادی خواه مطهره، ابراهیمی، حسین، سال ۱۳۹۱: بررسی موانع موجود در جهت دستیابی به الگوی مناسب علوم انسانی اسلامی در جوامع... کمیسیون کاربردی سازی علوم انسانی

ابراهیم زاده عیسی، ۱۳۸۶، انتظارات بجا و نابجا از فلسفه تربیت، فصلنامه نو آوری تربیتی شماره ۲۰، سال ۶.

کاردان، علی محمد، ۱۳۸۰، علوم تربیتی ماهیت و قلمرو آن، تهران: انتشارات: سمت.